

## ضرورت بازآرایی تشکیلات دولتی امور زنان و خانواده در دولت دهم

در آغازین کلام خبرنگار این ماه در آستانه دهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران به دست باکفایت جناب آقای دکتر محمود احمدی نژاد؛ ضمن ابلاغ تبریک زنان ایران اسلامی و آرزوی توفیق در دومین دوره برای ایشان، یکی از مهمترین موضوعات مورد توجه در حوزه نان و خانواده "بازآرایی مجدد تشکیلات دولتی امور زنان متناسب با شرح وظایف و مأموریت‌های جدید برای آنها" می‌باشد که در سخنرانی دکتر زهره طبیب زاده نوری مشاور رییس جمهور و رییس مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در دومین جشنواره ملی تولیدات رسانه ای اخبار زنان "کلام زینب" در تاریخ ۱۷ مرداد ۱۳۸۸ به تفصیل بحث شده است. از آنجاکه این مبحث از اولویتهای ضروری و جزء مهمترین مطالبات زنان کشور بشمار می‌آید و لازم است که در دستور کار اولیه دولت دهم قرار گیرد، متن زیر را به خوانندگان گرامی تقدیم می‌نماییم و امیدواریم که برنامه ریزان با مطالعه آن در بهبود و اصلاح ساختار دولتی زنان و خانواده همت گماشته و نقطه عطف این نیاز کشور را در این دوره در تاریخ به ثبت برسانند.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، انه خير ناصر و معين

خدمت همه خواهران بزرگوaram در دستگاههای اجرایی و استانهای کشور که بار عظیم مسئولیت حوزه زنان و خانواده را در دوران پر تلاش دولت نهم بر عهده داشته و با فعالیتهای مستمر خود توانستند مرکز امور زنان و خانواده را در اجرای پروژه‌های منطقه ای و ملی موفق نمایند عرض سلام و ادب و احترام دارم.

ایام پر برکت میلاد امام عصر (عج) را خدمت همه عزیزان تبریک عرض نموده و تقارن این ایام فرخنده را با روز مبارک خبرنگار به راویان اخبار و اطلاعات و فرهنگ سازان مدافع انقلاب اسلامی تهنیت می‌گوییم.

از آنجاکه در پایان دوره دولت نهم و در آستانه دوران سخت و پرتلاش دولت دهم حضور داریم و با توجه به اینکه موضوع زنان، مقوله ای است که همه در مورد آن قضاوت می‌کنند؛ لازم می‌دانم در این بخش از سخنانم تجربه چند ساله خود را نسبت به یکی از مهمترین اولویت‌های حوزه زنان یعنی ساختار تشکیلاتی این حوزه اعلام و بر خود فرض می‌دانم آنچه در این زمینه شرط بلاغ است، اعلام دارم و امیدوارم این تجربیات بتواند برای گردانندگان آتی این حوزه در خدمت در دولت دهم را و برای زنان و خانواده‌ها پرخیر و برکت و سهل‌تر و کارا تر سازد. زنان خانه دار در خانه با انجام فعالیت‌های مستمر و متعدد، زنان کارمند با مساعی و پیگیری‌های مداوم خود در اداره و سازمان و زمانی که در منزل شیفت دیگرکاری خود را آغاز می‌کنند، زنان کشاورز و روستایی در شالیزارها و مزارع، زنان عشایر در زندگی طاقت فرسای بیلاق و قشلاق، زنان اندیشمند و محقق آن زمان که می‌خواهند گامی فراتر از زمان بردارند و در رشد و بالندگی و توسعه کشور مشارکت نمایند، زنان سرپرست خانوار که مدیریت دوگانه ساماندهی امور مالی و تربیتی خانواده را عهده دارند، دختران جوان که در جهت رشد اجتماعی و تربیت دینی، خود را برای آینده درخشان کشور، آماده می‌سازند، همه و همه هم‌دوش مردان در تلاشند، تا بتوانند در ایجاد خانواده و ترسیم جامعه ای سالم نقش آفرینی نمایند. تاثیرات دیدگاه‌های افراطی غربی، نگاه‌های تحجرگرایانه و رویکردهای جنسیتی نامتعادل و گاه متضاد، بسیاری از مسئولان و در برخی از موارد حتی خود زنان را هم در مورد مطالبات بر حق خود، به تردید و می‌دارد به طوریکه گاه همه و همه این سختی‌ها و مشکلات نادیده انگاشته می‌شود!!!! بارها شاهد بوده ایم که برای حل مشکلات عدیده ناشی از موازی کاری در بسیاری از بخش‌ها و نهادها و دستگاه‌های موجود در کشور، از جمله در حوزه زنان بحث و گفتگو شده و می‌شود اما در طول سی سال اخیر با نگاه‌های افراطی پیشنهاد ادغام چندین وزارتخانه بزرگ به طور هم‌زمان صادر شده است که امری غیر اصولی و غیر واقع بینانه می‌باشد و یا مسئولان با روزمرگی دوران خود را سپری کرده و کمتر مقام بلندپایه ای شجاعت بررسی اصولی و دقیق نهادهای موازی و اصلاح ساختار دولتی را به خود می‌دهد.

در حوزه زنان هم سوالات بسیاری در این زمینه وجود دارد که اساساً مگر مرکزی برای مردان وجود دارد که زنان خواهان نهادی جهت رسیدگی به امور خود می‌باشند و یا اینکه با وجود شورای فرهنگی اجتماعی زنان، مرکز امور زنان چه تکالیفی دارد؟ نقش نهادهای متولی امور زنان در دستگاه‌های اجرایی و استانی و رابطه آنها با دونهاد فوق چگونه تعریف می‌شود؟ و بسیاری از سوالات از این دست... اگر سوالات را با دیدی روشن بینانه قضاوت کنیم با اعتقاد به اینکه سوال کنندگان ایرانی، دلسوز و قصد رفع مشکلات را دارند و نگران وضعیت آتی کشور می‌باشند. صرف‌نظر از غرض پرسش کننده باید در قدم نخست به این سوال پاسخ داد که؛ وظیفه و ضرورت وجود ساختارهایی برای امور زنان با وجود وزارتخانه‌های گوناگون که فارغ از جنسیت به ارائه خدمات به کل آحاد جامعه می‌پردازند، چیست؟ در پاسخ باید مطرح نمود که دولت جمهوری اسلامی ایران بر اساس وظایف تعریف شده مسئولیت عهده داری امور آحاد جامعه اعم از مرد و زن را بعهدده دارد اما با توجه به مسائل خاصی به لحاظ خلقتی، تاریخی، فرهنگی، ملاحظات دینی، حضور مردان در عرصه کلان مدیریتی، سنتی تاریخی است و از آنجاکه مردان بسیاری از ظرایف و مشکلات و مضیقه‌های زنان را حس نمی‌کنند لازم است زنان نه در حوزه اجرا بلکه در حوزه‌های تصمیم‌گیری و در عرصه کلان، حداقل در زمینه زنان مورد مشورتی تاثیرگذار و نه صوری قرار گیرند و ملاحظات و درخواست آنها جهت رفع مشکلاتی که به طور روزمره زنان با آن مواجهند، در تصمیم‌گیری‌های مسئولان مورد توجه قرار گیرد، در اینصورت واگذاری کار اجرایی و عدم تناسب تشکیلات فعلی دولتی امور زنان و تداخل و موازی کاری در ماموریت‌های این نهادها با سازمانها و دستگاه‌های اجرایی کشور دیگر معنا و مفهوم ندارد.

در حال حاضر ریاست مرکز امور زنان و خانواده به دلیل عضویت در دولت ظاهراً نقش برنامه ریزی و سیاستگذاری امور زنان را در حوزه اجرایی بعهدده دارد، بازوهای آن در سطح ملی، دفاتر امور بانوان وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی و در سطح استانی، کارگروه‌های بانوان و جوانان در استانداری‌ها می‌باشند که هیچیک دارای ساز و کار اجرایی و قدرت تصمیم‌گیری کاربردی و ساختاری مشخص، هماهنگ و یکسان و بودجه کافی برای ورود مستقل در اجرا و رفع مشکلات زنان نمی‌باشند. اگر بخواهیم تقدم و تأخر سیاستگذاری و امور اجرایی را رعایت کنیم، مرکز امور زنان و خانواده در حد بضاعت سازمانی، سیاست‌های کلان مصوب در شورای فرهنگی اجتماعی زنان را در برنامه ریزی‌های خود لحاظ نموده و در اولویت کاری خود قرار می‌دهد اما چون تشکیلات زنان در زمان واحدی به وجود نیامده‌اند با نگرش جامع و سیستماتیک طراحی نشده و هر کدام بر اساس مدیریت اقتضایی و نه مدیریت جامع استراتژیک، ایجاد شده‌اند؛ لذا مصوبات کلان شورای فرهنگی اجتماعی زنان توسط ساختار اجرایی و بضاعت مالی مرکز امور زنان و خانواده قابل تحقق نیست. دولت‌ها هم

اولویت‌های اجرایی مبنی بر این سیاستگذاری‌ها را براساس امکانات بودجه‌ای سالانه تدارک می‌بینند و آنقدر مشکلات کلان و عقب ماندگی‌ها در حوزه‌های رفاهی، صنعتی و کشاورزی در کل کشور وجود دارد که کلان‌نگری اجازه اولویت بخشی به قشر خاص زنان را نمی‌دهد اما مرکز امور زنان و خانواده با درک شرایط کشور و در نظر گرفتن مقدرات باید از قدرت قابل قبول برای پیگیری مطالبات زنان برخوردار باشد تا حضورش کارا محسوب شود.

آنچه اکنون باید مورد توجه برنامه‌ریزان باشد، «بازآرایی مجدد تشکیلات دولتی امور زنان متناسب با شرح وظایف و مأموریت‌های جدید برای آنهاست» که بر حسب اقتضائات زمان، نیازهای جامعه زنان و توانمندی‌های موجود در سازمان‌ها در چارچوب برنامه توسعه فرهنگی اجتماعی کشور، به مشکلات، عقب‌ماندگی‌های زنان بپردازد. بنابه اهمیت موضوع، این امر در دستور کار مرکز امور زنان و خانواده از ابتدای دولت نهم قرار داشته و برای ایجاد اجماع در حوزه زنان به بحث و بررسی گذاشته شده است و مرکز نیز اقدامات اجرایی پیرامون این بازنگری صورت داده است و زمینه را برای طرح منطقی این مطالبه زنان در میان مسئولان و تصمیم‌گیران و جامعه بوجود آورده است. هر چند گمانه‌زنی‌ها در زمینه تغییر ساختار مرکز امور زنان و خانواده در دولت دهم، صاحب‌نظران و فعالان این عرصه را از یکسو خرسند نموده و از سوی دیگر آنان را به تکاپو در راستای تجزیه و تحلیل دیدگاه‌های مختلف و ارائه پیشنهادات گوناگون برای بهبود روند تشکیلاتی حوزه زنان و خانواده واداشته است.

از زمان تاسیس دفاتر امور بانوان، تاکنون در دولتهای مختلف چالش‌های زیادی فراروی ساختار، شرح وظایف تشکیلات زنان در کشور بوده و موضوع بارها و بارها مطرح گردیده اما طرح موضوع آنقدر گذرا و مقطعی و غیر جدی بوده که واضح است اراده‌ای برای ایجاد تغییر در این زمینه در دولتهای گذشته وجود نداشته است. اگرچه در دولت هفتم دفتر امور زنان به لحاظ تشکیلاتی، اندکی ارتقاء یافته و به مرکز امور مشارکت زنان تغییر نام یافت اما در حقیقت این تغییر، ارتقای اساسی در ساختار مراکز تصمیم‌گیری زنان ایجاد نمود و با پافشاری افراطی در مشارکت اجتماعی زنان، از یکسوسبب جبهه‌گیری مردان و برخورد منفی واکنشی از سوی آنان گردید و از سوی دیگر نقش اساسی زن در خانواده نادیده انگاشته شد اما این مهم در دولت نهم به جد، مورد توجه مسئولین قرار گرفته و مشکلات خانواده در ساختار اجرایی کشور به مسئله اساسی تبدیل و همواره بر لزوم ارتقای جایگاه زنان و خانواده در ساختار تشکیلاتی کشور، تأکید شد. تا جاییکه علاوه بر توجه به حفظ کرامت انسانی زن در اسلام و تأکید بر حضور مثبت او در عرصه‌های مختلف اجتماعی، طرح ایده‌های گسترده‌تر مبتنی بر ضرورتهای اعتقادی، اجتماعی و نقش محوری زن در تحکیم مناسبات خانوادگی، اولین اقدام دولت نهم قرار گرفته و حوزه عمل این مرکز را به مرکز امور زنان و خانواده توسعه داد که تحولی اساسی و پدیده‌ای مهم در حوزه امور زنان بوجود آمد، اما هنوز ساختاری کارا و متناسب در این زمینه طراحی نشده است و تنها تغییر نام نمی‌تواند تأمین‌کننده خواست زنان جامعه باشد. در زمینه تخصیص منابع در اختیار نیز، استراتژی سلیقه‌ای سبب گردید که رویکرد سابق این مجموعه در دولتهای پیشین با منابع داخلی، صرفنظر از منابع تزریق شده توسط آژانس‌های بین‌المللی با اهداف مشخص آنها، هزینه‌کرد منابع مالی خرد، عمدتاً در برخی دستگاه‌ها در قالب حمایت‌های سازمانی و مشوق‌های دستگاهی در جهت مناسبت‌ها تعریف گردد، بگونه‌ای که عملاً بازتابی همه‌گیر و مخاطبانی عام را از بانوان کشور شامل نمی‌گردید، خوشبختانه یکی از تصمیمات اصولی دولت نهم تجمیع بودجه دستگاهی در اعتبارات مرکز و تصحیح روند تخصیص بودجه می‌باشد بگونه‌ای که این طرح‌ها از مخاطبین محدود در ادارات و دستگاه‌ها به طرح‌های کلان‌تر و با در نظر گرفتن منافع بخش گسترده تری از زنان کشور تخصیص یافت و هرچند بضاعت و بودجه کم مرکز امکان سفارش طرح‌های کلان ملی را در حوزه زنان ندارد و در عین حال مشخص هم نیست که استقلال مالی و داشتن بودجه زیاد بدون سازوکار اصولی بهترین گزینه باشد. دومین قدم موثر، طرح تشکیل «کارگروه ملی خانواده» به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور در سال ۱۳۸۷ بود که مسئولیت دبیرخانه آن برعهده مرکز امور زنان و خانواده نهاد شد تا به صورت فرابخشی به رصد و نظارت بر فعالیتهای حوزه زنان و خانواده بپردازد اما متأسفانه اکثر اشخاص حقوقی صاحب نفوذ اعم از وزراء و روسای دستگاه‌های مربوط، در جلسات تصمیم‌گیری شرکت ننموده و عمدتاً مشاورین امور بانوان خود را اعزام می‌نمودند که آنها هم در جایگاه تصمیم‌گیری کلان‌کشوری در امور زنان و خانواده نمی‌باشند و عملاً تصمیمات این شورا از جایگاه و قوام قابل قبول برخوردار نیست.

در حال حاضر، موضوع تغییر ساختار تشکیلاتی حوزه زنان و خانواده در مجلس شورای اسلامی طرح و زمینه تحقق زیرساخت‌های آن در

دولت دهم در دستور کار سیاستگذاران قرار گرفته است که در این زمینه تلاش فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی و اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان در کنار مسئولین مرکز امور زنان و خانواده قابل تامل و تقدیر است اما این مطالبه بر حق زنان بایستی به یک ضرورت قابل فهم، برای تصمیم‌گیران بدل گردد تا دغدغه مسئولان حوزه زنان، که فقدان قدرت و ساختار نظارتی لازم برای اجرای امور مربوط به زنان در کشور است به نوعی پاسخ منطقی بیابد. اینکه مسائل زنان با ارگانهای اجرایی کشور گره خورده و فرادستگاهی و فرابخشی است بر کسی پوشیده نیست نتیجتاً ایجاد وزارت امور زنان امری غیر ضروری به نظر می‌رسد اما معاونت ریاست محترم جمهور که با ساز و کار قانونی خاص بتواند در حوزه زنان و خانواده در عملکردهای مربوطه دستگاههای اجرایی اثر نظارتی موثر و مداخله‌گر داشته باشد یک ضرورت اجتناب ناپذیر است.

بر اساس برنامه‌های توسعه‌ای، تدوین سند فرابخشی در حوزه زنان همانند اسناد مشابه در امور جوانان، به نظارتی قوی جهت اجرایی شدن تکالیف مندرج در اسناد نیاز دارد که شرح وظایف فعلی و جایگاه مشورتی این مرکز به عنوان بالاترین نهاد اجرایی در این حوزه، برای پیگیری نتایج و پیاده نمودن اسناد کافی نبوده و صرفاً ناظر بر فعالیت‌های اجرایی در دستگاه‌ها و در نهایت ارائه راه حل‌هایی در حد پیشنهاد و ارائه مشورت در فرآیند اجرا به ریاست محترم جمهوری از سوی رئیس مرکز و به وزرا و استانداران از سوی مشاوران آنهاست. وجود جایگاه مشورتی برای ریاست مرکز امور زنان و خانواده در ساختار دولتی علاوه بر آنکه دستگاه‌ها را ملزم به پاسخگویی در قبال مسائل مختلف زنان نمی‌نماید، بلکه نقشی تشریفاتی و غیرکارا به نهادهای متولی امور زنان داده است لذا ارتقای این تشکیلات از حالت مشورتی به عنوان یک رکن سیاستگذار در حوزه اجرایی مسائل زنان و خانواده، و الزام اجرایی نمودن توصیه‌ها و راهبردهای منطقی این نهاد و نهادینه نمودن حق نظارت و پیگیری بر اجرا در حوزه مسائل زنان الزام آور می‌باشد. لذا انتظار می‌رود اولویت اصلی دولت دهم در حوزه زنان، صرف نظر از اینکه چه کسی مسئولیت این حوزه را بر دوش داشته باشد تقویت تشکیلات ساختاری حوزه زنان به لحاظ دو تکلیف مهم تحکیم بنیان خانواده و توانمندسازی زنان است.

سخنان ارزشمند رهبر معظم انقلاب که می‌فرمایند: "در طول تاریخ ظلم مضاعفی به زنان شده و جمهوری اسلامی ایران باید با لطف مضاعف این ستم‌ها را جبران کند"، نکته قابل توجهی است که زنان جامعه ما یقین دارند تنها دولت دهم با توجه به روحیه ولایتمداری و مردمی خود این لطف مضاعف را با پرداختن به شرح وظایف و ساختار مجموعه حاضر در مرکز امور زنان و خانواده و لزوم بررسی همه جانبه فعالیت سایر مراکز در ارتباط با موضوعات زنان، ارتقای تشکیلاتی این مجموعه جبران خواهد نمود. امیدواریم با ارتقای جایگاه و ساختار نظارتی زنان بتوان گامهای اساسی در جهت حل مشکلات و رفع مظلومیت این قشر عظیم و تاثیرگذار جامعه اسلامی برداشت و جایگاه آنان را به الگویی برای کلیه کشورهای اسلامی در این زمینه تبدیل نمود.

والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته